

## آینده گروه بریکس و تأثیر راهبردی آن بر نظم پولی و مالی جهان

حسین احمدی<sup>۱</sup>

مهدی ریاضی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

### چکیده

نظم موجود اقتصاد جهان برآیند عرصه‌ها و عوامل، از جمله نهادهای مختلف است. در این راستا عوامل اقتصادی و نهادهای مرتبط در نظم موجود بسیار موثراند. به طور مثال نمی‌توان نقش صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را در نظم موجود جهانی و همچنین سیطره دلار و سوئیفت را در نظام پولی و پرداخت‌های بین‌المللی نادیده گرفت. اما عملکرد و نحوی اداره غیرمنصفانه آنها بحث برانگیز شده است و لذا تلاش‌هایی برای تعدیل آنها در قالب ائتلاف‌های انجام شده است که در این بین گروه بریکس و تشکیل نهادهای پولی و مالی آن می‌تواند به عنوان یک رویکرد رقیب و تعدیل‌کننده در نظام پولی و مالی جهان مورد ملاحظه قرار گیرد.

در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی و کمک‌گیری از ابزار مصاحبه و پرسشنامه، به بررسی توان سیاسی و اقتصادی گروه بریکس به همراه چالش‌های پیش‌روی این گروه جهت تبدیل شدن به یک گروه برتر اقتصادی و موثر بر نظم پولی و مالی جهان در آینده پرداخته شود. نتیجه پژوهش نشان داد گروه بریکس قابلیت لازم برای تبدیل شدن به یک گروه برتر اقتصادی در سطح جهانی را دارا می‌باشد؛ اما در این مسیر با چالش‌های همراه می‌باشد که در صورت رفع آنها و توسعه نهادهای خود و ایجاد شرایط تشکیل اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین‌المللی در آینده می‌تواند بر روند تصمیم‌گیری‌های ویژه نظام بین‌المللی تأثیرگذار باشد و با اصلاح نهادهای مالی و پولی بین‌المللی، حاکمیت فعلی آنان را تعدیل کند.

**واژگان کلیدی:** بریکس، نظم پولی و مالی جهانی، توان اقتصادی و سیاسی، نهادهای مالی و پولی، اتحادیه پولی، نظام پرداخت بین‌المللی.

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی بین‌الملل، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. نویسنده مسئول. (hosseinahmadi1313@gmail.com)

<sup>۲</sup> دکترای مدیریت تولید، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. (kolahdoz93@gmail.com)

## ۱. مقدمه

بدون شک نظم جهانی مانند هر نظام اجتماعی-سیاسی دیگر پس از دوران ظهور، تثبیت و اعتلای خود می‌تواند به دنبال بروز چالش‌ها، ناکارآمدی‌ها و در نتیجه تجلی جایگزین‌های آن، دورانی از افول و تغییر را تجربه کند تا نظم جدید جایگزین شود. بدین ترتیب همان‌گونه که سقوط شوروی به نظام دوقطبی پایان داد، نظام تک‌قطبی پس از دوران جنگ سرد نیز که شاخصه اصلی آن هژمونی آمریکا و استیلای غرب بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی بود، با وقوع بحران مالی و اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۸ و شکل‌گیری قدرت‌های اقتصادی نوظهور با چالش‌های جدی مواجه شده است. اثرپذیری کمتر اقتصادهای نوظهور از پیامدهای بحران مزبور به ارتقاء جایگاه آنها در اقتصاد جهانی مدد رساند. یکی از آثار این بحران تحرک بیشتر اقتصادهای نوظهور در راستای بازسازی ثبات مالی جهانی و زمینه‌سازی برای تقویت جایگاه خویش در نهادهای پولی و مالی چندجانبه و بین‌المللی، بویژه نهادهای برتون وودز<sup>۱</sup> می‌باشد که آثار آن بر روند جابجایی قدرت و بازتعریف نظم جهانی، انکارناپذیر است. در این میان یک ائتلاف مهم، تشکیل گروه بریکس با حضور برخی از اقتصادهای نوظهور می‌باشد که از جمله اهداف اصلی تشکیل این گروه تعدیل قدرت‌های اقتصادی به ویژه برقراری نظم پولی و مالی نوین جهان است (جرمین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

شکل‌گیری قدرت‌های اقتصادی نوظهور (گروه کشورهای بریکس) و به دنبال آن اتحادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی متأثر از این تحولات، باعث رقابت ابرقدرت‌ها در غرب و شرق (با محوریت چین و آمریکا) و تلاش هر کدام برای اتحادسازی‌های منطقه‌ای و از سوی دیگر تکاپوی سایر قدرت‌ها و بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای برای کسب جایگاه مناسب در نظم آینده و منفعت لازم در رقابت فعلی، تحت عنوان دوران گذار در نظم جهانی گردیده است (هایبین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲).

از طرفی مدتهاست که بسیاری از کشورها به دنبال کاهش سلطه آمریکا و اروپا در دو نهاد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و در واقع کاهش سلطه آنها بر نظم پولی و مالی جهان از طریق تعدیل سهام و آرای اعضای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هستند، ولیکن بسیار کند و فرسایشی است. اما کشورهای عضو بریکس با برخورداری از رشد سریع اقتصادی و کسب جایگاه ویژه در اقتصاد بین‌المللی در صدد برآمده‌اند با اصلاح نهادهای پولی و مالی بین‌المللی، سیستم جدیدی از حاکمیت بین‌المللی را طراحی کنند. کشورهای بریکس خواهان کسب بخشی از قدرت آمریکا و اروپا و ایفای نقش برجسته و بیشتر در نظم پولی و مالی در سطح جهانی هستند. به طور مشخص آنها نظم پولی و مالی جهان را هدف گرفته‌اند، و به دنبال نهادسازی و تعدیل نظم موجود می‌باشند (هایبین، ۲۰۱۲). در نتیجه مطالعه آینده گروه بریکس و تأثیر راهبردی آن بر نظم پولی و مالی جهان حائز اهمیت و برای سیاست‌گذاری و طراحی دیپلماسی اقتصادی کشور اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا هدف اصلی این پژوهش شناخت توان سیاسی و اقتصادی گروه بریکس به همراه چالش‌ها و

<sup>1</sup> Bretton-Woods

<sup>2</sup> Germain

<sup>3</sup> Haibin

موانع احتمالی پیش روی این گروه جهت تبدیل شدن به یک گروه برتر اقتصادی و موثر بر نظم پولی و مالی جهان می باشد که به منظور دستیابی به این هدف چهار سوال به شرح ذیل تدوین شده است:

۱. آیا گروه بریکس توانایی و ظرفیت لازم برای تبدیل شدن به یک گروه برتر در اقتصاد جهانی را داراست؟

۲. چالش ها و موانع گروه بریکس در مسیر تبدیل شدن به یک اقتصاد برتر در سطح جهانی، کدامند؟

۳. تشکیل نهادهای مالی و پولی گروه بریکس (بانک توسعه و صندوق ذخیره ارزی بریکس) چه میزان در قبال بانک جهانی و صندوق بین المللی پول می تواند موفق عمل کند و رفتار آنها را به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل کند؟

۴. آیا گروه بریکس توانایی تشکیل اتحادیه پولی (پول مشترک) و نظام پرداخت بین المللی بین اعضای خود در آینده را دارد؟

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱. مبانی نظری پژوهش

#### ۲-۱-۱. بریکس و سیاست های کلان آن

نام بریکس از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو این گروه (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تشکیل شده است. ایده شکل گیری این گروه در سال ۲۰۰۱ توسط جیم انیل<sup>۱</sup> مؤسسه سرمایه گذاری گلدمن ساکس<sup>۲</sup>، به منظور پیش بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت های برتر آن مطرح گردید (انیل، ۲۰۰۱). سپس در ۶۱ امین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین گفتگوهای مقدماتی را آغاز کردند. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد بریکس<sup>۳</sup>، در چهار نشست دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، ژاپن و لندن) به منظور محکم ساختن پایه های شکل گیری این گروه شرکت کردند که نشان دهنده تبدیل بریکس به چیزی فراتر از یک مفهوم شده و در سطح برنامه اجرایی مطرح شد. پس از نخستین نشست سران بریکس در سال ۲۰۰۹، موضوع این گروه تبدیل به یک سازوکار میان دولتی شد. سپس آفریقای جنوبی تلاش های فراوانی در سال ۲۰۱۰ به منظور عضویت در گروه بریکس از خود نشان داد که سرانجام وزرای امور خارجه کشورهای عضو در نشستی که در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ در نیویورک برگزار گردید، با عضویت آفریقای جنوبی موافقت کردند که عنوان بریکس پس از پیوستن آفریقای جنوبی به بریکس تغییر نام یافت (هانشل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). بریکس از این مرحله به بعد تبدیل به یک گروه بندی فرامنطقه ای شد. همچنین در سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۰ کشور دیگر نیز تمایل خود را برای پیوستن به این گروه اقتصادی ابراز کرده اند که پس از اجلاس ژوهانسبورگ، کشورهای امارات، عربستان سعودی، ایران، آرژانتین، مصر و اتیوپی رسماً به بریکس دعوت شدند؛ عضویت کامل این کشورهای جدید از اول ژانویه

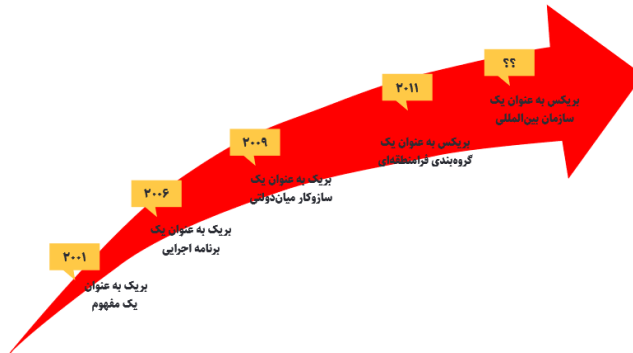
<sup>1</sup> Jim O'Neill

<sup>2</sup> Goldman Sachs

<sup>3</sup> BRIC

<sup>4</sup> Hounshell

۲۰۲۴ آغاز خواهد شد که نشان دهنده تبدیل این گروه به یک سازمان بین المللی است (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲؛ نگارندگان پژوهش ۱۴۰۲).



نمودار شماره (۱) سیر تکاملی بریکس

منبع: گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲

اعضای گروه بریکس از سال ۲۰۰۹ جلسات سران خود را سالیانه تشکیل می دهند که تاکنون در ۱۵ نشست، سران کشورها برای توسعه همکاری های اقتصادی، انرژی، زیست محیطی، توسعه انسانی، امنیت غذایی، نظامی و سیاسی بین هم گفتگو و تبادل نظر کرده اند. به طور کلی در مجموع اجلاس های گروه بریکس توافقات زیر در زمینه اقتصادی حاصل گردید: بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان؛ برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر؛ ایفای نقش موثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان؛ افزایش مبادلات تجاری با یکدیگر؛ همکاری ارزی؛ کاهش وابستگی به اروپا و ایالات متحده آمریکا؛ تشکیل بانک توسعه و ذخیره ارزی در رقابت با بانک جهانی و صندوق پولی بین المللی؛ تمرکز زدایی از دلار؛ پیشبرد اقتصادهای کلان با درک و همیاری کشورهای خواستار توسعه؛ ایجاد اطمینان در متوازن ساختن مبادلات و پرداخت ها و دریافتها در صندوق بین المللی پول؛ کاهش ریسک و خطرات احتمالی بازار پولی و ارزی پنج کشور عضو؛ ثبات در بازار انرژی؛ افزایش قدرت رقابت با دیگر اقطاب جهان؛ سرمایه گذاری های مشترک در پروژه های فراگیر. (مرکز اطلاعات بریکس<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). همچنین در این مدت سیاستهای کلان این گروه ذیل محورهایی به شرح زیر معرفی شده است:

#### الف) تجارت

کاهش محدودیتهای تجاری، تجارت غیرتبعیض آمیز و قاعده محور بر اساس قواعد و اصول سازمان جهانی تجارت، افزایش شفافیت به منظور رشد پیشبینی پذیری تجارت بین اعضا، حرکت به سمت ایجاد زنجیره های ارزش منطبق های، سازگاری مکانیسم های ملی پنجره واحد گمرکی، اجرای قانون رقابت و ایجاد فضای بازار منصفانه، تبادل تجارب و درسها در موضوعات ذیل تجارت الکترونیک، ترویج همکاری در زمینه مقررات فنی،

<sup>1</sup> BRICS Information Centre

استانداردها، اندازه‌شناسی، ارزیابی انطباق و اعتبار، ایجاد شیوه‌هایی به منظور ارتقا مالکیت فکری در راستای ایجاد تعادل میان استفاده‌کنندگان و مالکان و در نهایت افزایش اتصال زنجیره‌های تأمین.

#### ب) سرمایه‌گذاری

اولویت سرمایه‌گذاری در کانال‌های با ارزش افزوده بالا و خدمات مرتبط با تجارت داخل پیمان، بهبود شفافیت، تقویت پیوندهای سرمایه‌گذاری در راستای ایجاد زنجیره‌ای از توسعه صنعتی میان اعضا، بهبود داوطلبانه فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری، گسترش همکاری و روابط میان سازمان‌های سرمایه‌گذاری ملی کشورهای عضو، ارتقای ابزارهای مالی و ابزارهای مشارکت عمومی - خصوصی، اولویت یافتن طرح‌های نوآورانه و فناورانه، افزایش آگاهی نسبت به فرصت‌های سرمایه‌گذاری اعضا، اشتراک تجربه در زمینه بهبود فضای کسب و کار با تأکید بر توسعه فضای سرمایه‌گذاری داوطلبانه، بهره‌برداری از ابزارهای سرمایه‌گذاری بانک توسعه جدید در امور زیرساختی.

#### ج) شرکتهای خرد، کوچک و متوسط

توسعه تجارت میان بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط اعضا، تقویت همگرایی میان بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط اعضا در زنجیره‌های منطقه‌ای و جهانی ارزش به وسیله ابزار دیجیتال و تجارت الکترونیک، ایجاد چارچوب‌های حقوقی داخلی اعضا به منظور ورود این شرکتها در بازار جهانی، اشتراک تجربه، افزایش دسترسی این بنگاه‌ها به خدمات دولتی به منظور مشارکت آنها در پروژه‌های بین‌المللی، مشارکت این شرکتها در ساخت، لجستیک و بهره‌برداری از زیرساختها به منظور رفع چالش‌های توسعه‌ای و اجتماعی، توسعه ابتکار ائتلاف کسب و کار زنان بریکس.

#### د) تأمین مالی

تبادل نظر و ارتباط با گروه ۲۰، صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادهای مالی، تغییر در معماری تأمین مالی بین‌المللی با افزایش مشارکت کشورهای عضو بریکس، تقویت سهم اعضا در رأی‌گیری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، ارتقای سهم ارزهای ملی و سازوکارهای پرداخت در مبادلات دوجانبه، مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، همکاری نهادهای مالیاتی اعضا، همکاری‌های بین‌بانکی و تشکیل گروه اقدام برای مشارکت عمومی - خصوصی و زیرساخت، جذب سرمایه برای پیشبرد پروژه‌های اولویت‌دار بریکس، همکاری در ایجاد بانک توسعه جدید بر مبنای ارزهای ملی اعضا، ادامه همکاری برای ایجاد صندوق اوراق قرضه ارزهای محلی اعضا ارتقای قابلیت‌های حقوقی و فنی برای ترتیبات ذخیره ارزی.

#### ه) تغییرات اقلیمی

اجرای کامل کنوانسیون تغییرات آب و هوای سازمان ملل متحد و توافق پاریس، ایجاد ترتیباتی به منظور توسعه، ارتقا و تولید فناوری‌هایی باهدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، گسترش سبک زندگی منطبق با اصل برابری و مسئولیتهای مشترک اما متمایز و توانایی مربوطه کنوانسیون تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد،

ایجاد فضای باثبات و مطمئن برای سرمایه گذاران این حوزه، توسعه همکاری در حوزه پلتفرم های فناوری محیطی صدا، توسعه همکاری در مدیریت پسماند، توسعه ابزارها برای تأمین مالی پروژه های کم کربن از جمله با بهره گیری از پتانسیل بانک توسعه جدید و تأمین مالی آب و هوا تحت سازوکارهای کنوانسیون تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد و توافقنامه پاریس و درنهایت کمک در اجرای اهداف ملی در این زمینه.

#### و) انرژی

افزایش تعامل در زمینه همکاریهای فناوری و نوآورانه به ویژه با ایجاد شرایط برای جذب سرمایه گذاری پایدار مرتبط در بخش انرژی از جمله از طریق مکانیسم های بانک توسعه جدید، تلاش برای امنیت و ثبات انرژی در بازارهای انرژی جهان و درنظرداشتن انرژی هسته ای به عنوان یک انرژی پاک.

#### ز) توسعه زیرساخت

مدرنیزه کردن صنعت و حمل و نقل، تشویق توسعه همکاری در بهره برداری زیرساخت به منظور ایجاد اتصال هوایی، زمینی و دریایی میان اعضا، ایجاد سازوکار حمل و نقل چندملیتی منعطف، ایمن و متوازن میان اعضا در کنار توسعه زیرساخت ارتباطات، تقویت دیجیتالی شدن و استفاده از فناوریهای پیشرفته در حوزه حمل و نقل از جمله سیستم های مدیریت ترافیک و سیستم های ایمنی جاده و هوا، توسعه شهرهای هوشمند.

#### ح) امنیت غذایی

تأمین امنیت غذایی و دسترسی به مواد مغذی به ویژه در نقاط شهری اعضا، افزایش بهره وری کشاورزی، افزایش تجارت اقلام کشاورزی، سرمایه گذاری در کشاورزی طبق قوانین ملی، تحقق اسناد ۲۰۳۰ در این زمینه، توسعه راهکارهای نگهداشت و مصرف عقلایی منابع آبی و مبارزه با صیادی غیرمجاز.

#### ط) توسعه انسانی

در بخش توسعه منابع انسانی به موضوعاتی نظیر اجرای اهداف ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، سازمانهای تأمین اجتماعی، بخش سلامت، افزایش دسترسی به خدمات دیجیتال، تربیت کارگر ماهر برای صنایع پیشرفته، تسهیل رفت و آمد متخصصین دانشگاهی، نیروی کار و متخصصین سلامت درون کشورهای عضو، تضمین تجهیز کارگران به ابزار کار و مهارت به روز متناسب با انقلاب صنعتی چهارم و غیره اشاره شده است. همچنین در سیاستهای گروه بریکس، تقویت پیوندهای فیزیکی، همکاری نهادی و ارتباطات مردم با مردم به عنوان یک ضرورت مشترک برای همه اعضای بریکس مطرح شده است.

### ۲-۱-۲. موقعیت بریکس در اقتصاد جهانی

بریکس نماد قدرتهای در حال ظهور در اقتصاد سیاسی بین الملل محسوب می شود. این گروه ۴۱/۴۲ درصد جمعیت دنیا را در اختیار دارد و در این میان چهار کشور از اعضای این گروه در بین ده کشور پرجمعیت جهان قرار دارند و در مجموع جمعیت کشورهای عضو این گروه در سال ۲۰۲۲ بیش از ۳ میلیارد نفر

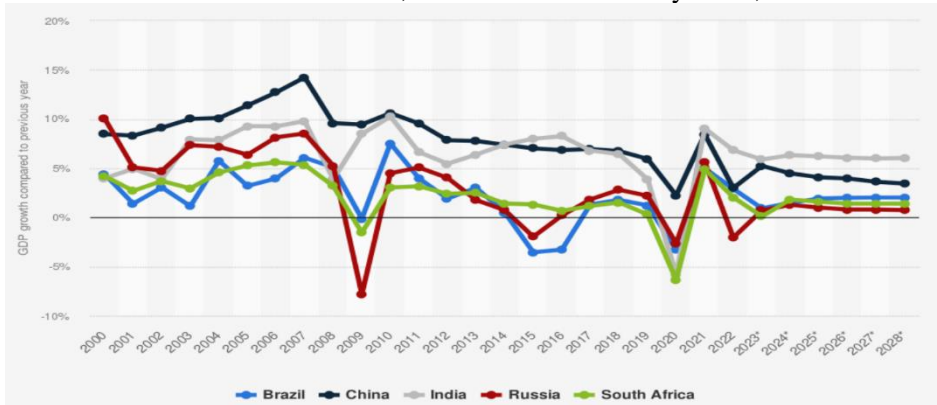
می باشد. همچنین مجموع مساحت کشورهای عضو این گروه به ۴۰ میلیون کیلومتر مربع می رسد که ۳۰ درصد سرزمین های جهان را شامل می شود.

طی دو دهه، کشورهای بریکس به طور پیوسته سهم خود از تولید ناخالص داخلی (اسمی) جهان را از ۱۱/۷۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۷/۹۵ درصد در سال ۲۰۱۰ و ۲۶ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش داده اند که میزان آن بالغ بر ۲۴ تریلیون دلار است.

جدول شماره (۱) سهم کشورهای بریکس (درصد از جهان)

شاخص	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۲
تولد ناخالص داخلی	۱۱/۷۴	۱۷/۹۵	۲۰/۵۷	۲۶
جمعیت	۴۳/۹۲	۴۲/۷۹	۴۲/۰۴	۴۱/۴۲
مبادلات تجاری	۷/۵۱	۱۴/۳۸	۱۳/۵۲	۱۸

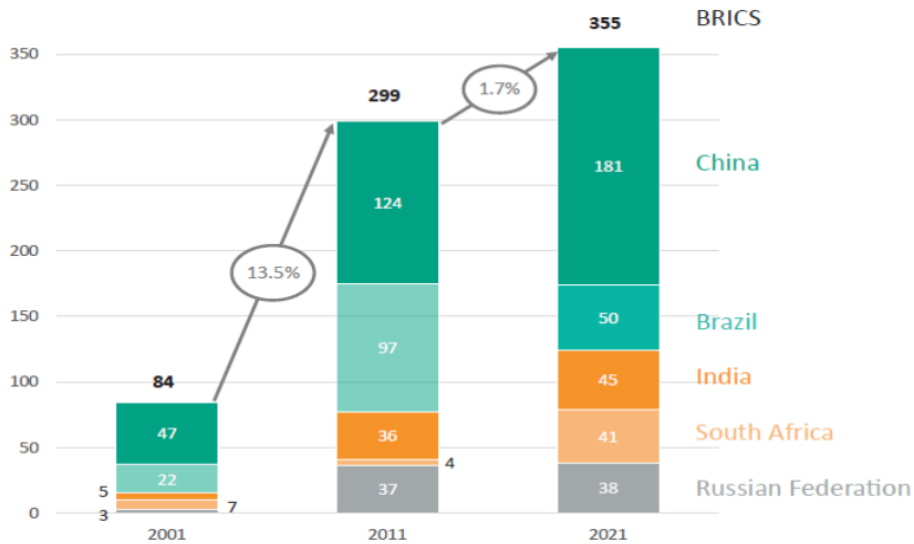
Source: World Economic Outlook, International Monetary Fund, 2023



نمودار شماره (۲) نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو بریکس (۲۰۰۰-۲۰۲۸)

Source: Statista, 2023

تجارت کالایی گروه بریکس نیز مطابق آمارها در سال ۲۰۲۲، بالغ بر ۳ تریلیون دلار می باشد که ۱۸ درصد تجارت کالایی جهان را شامل می شود و سهم آنها به تدریج در حال افزایش است. نرخ رشد صادرات داخل بریکس از میانگین جهانی پیشی گرفته است که نشان دهنده همکاری اقتصادی پربار است. این امر به افزایش تدریجی سرمایه گذاری درون بریکس کمک کرده است. کشورهای بریکس بیش از ۲۲ درصد از مجموع سرمایه گذاری های مستقیم جهانی را در سال ۲۰۲۱ جذب کرده اند، در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۹ فقط معادل ۱۶/۹ درصد بود. همچنین سهم کشورهای بریکس از سرمایه گذاری ثابت در بازار جهانی از سال ۲۰۰۹ به صورت قابل توجهی از ۷/۹ درصد به ۱۸ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است.



نمودار شماره (۳) سرمایه گذاری مستقیم خارجی کشورهای عضو بریکس

Source: UNCTAD, 2023

از طرفی غنی بودن یک کشور از نظر منابع طبیعی یکی از امتیازات بالقوه و نیز بالفعل آن در عرصه اقتصادی می باشد. هر اندازه میزان منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز و نیز منابع معدنی در یک کشور بیشتر باشد، به همان میزان احتمال تأثیر گذاری آن در اقتصاد بین المللی بالا می رود که کشورهای گروه بریکس صاحب منابع طبیعی غنی به شرح جدول (۲) می باشند.

جدول شماره (۲) منابع طبیعی کشورهای عضو گروه بریکس

کشورها	منابع طبیعی
روسیه	تخته و الوار، نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، و بسیاری از دیگر مواد معدنی که هنوز برخی به دلیل آب و هوای بسیار سرد قابل بهره برداری نمی باشند.
چین	زغال سنگ، سنگ آهن، نفت، گاز طبیعی، جیوه، قلع، تنگستن، آنتیموان، منگنز، مولیبدن، وانادیوم، مگنتیت، آلومینیوم، سرب، روی، اورانیوم، پتانسیل برق آبی (بزرگترین در جهان)
برزیل	بوکسیت، طلا، آهن، منگنز، نیکل، فسفات، پلاتین، قلع، اورانیوم، نفت، برق آبی، تخته الوار
هند	زغال سنگ (چهارمین ذخایر در جهان)، سنگ آهن، منگنز، میکا، بوکسیت، سنگ معدن، تیتانیوم، کرومیت، گاز طبیعی، الماس، نفت خام، سنگ آهک، زمین های زراعی
آفریقای جنوبی	طلا، کروم، آنتیموان، زغال سنگ، سنگ آهن، منگنز، نیکل، فسفات، قلع، اورانیوم، الماس، پلاتین، مس، وانادیوم، نمک، گاز طبیعی

Source: CIA, 2022



ذخایر ارزی و طلا نیز از مولفه های اصلی حساب دارایی های خارجی کشورها به شمار می آیند. میزان ذخایر خارجی از یک سو نشان دهنده مازاد (یا کسری) انباشته تراز پرداختهای خارجی و از سوی دیگر نشان دهنده ظرفیت یک کشور برای مقابله با بحران های پولی و مالی آتی است، که در ارزیابی ریسک یک کشور با در نظر گرفتن حجم بدهی های خارجی آنها مد نظر قرار می گیرد. با توجه به آمارها موجود در سال ۲۰۲۱ مجموع ذخایر ارزی و طلای پنج کشور عضو بریکس حدود ۴۵ درصد ذخایر جهان بوده است (CIA, 2022).

به مولفه بدهی خارجی یک کشور می توان از زوایای مختلف نگریست به طور مثال اقتصاددانان، مطالعاتی را معطوف به رابطه آن با رشد اقتصادی را انجام داده اند. اما یک زاویه مهم که نشان دهنده توان اقتصادی و ریسک اقتصادی یک کشور است، مقایسه مقدار بدهی خارجی با متغیرهایی همچون تولید ناخالص داخلی و از همه مهمتر، ذخایر خارجی است. با توجه به آمارهای موجود میزان بدهی خارجی اعضای بریکس بالا نبوده و این در حالی است که ۱۵ رتبه نخست در رده بندی کشورهای بدهکار جهان را کشورهای توسعه یافته و صنعتی به خود اختصاص داده اند که آمریکا به عنوان بدهکارترین کشور جهان شناخته می شود (CIA, 2022).

### ۲-۱-۳. مبادلات تجاری بین کشورهای بریکس

از تحلیل جدول مبادلات تجاری بین کشورهای بریکس مشخص می شود که در سال ۲۰۲۲ بیشترین رابطه تجاری میان کشورهای بریکس، بین چین-روسیه (۱۸۸/۴۸ میلیارد دلار) بوده و بعد از آن به ترتیب چین با برزیل (۱۷۰/۵۹ میلیارد دلار)، چین-هند (۱۳۶/۲۷ میلیارد دلار)، چین-آفریقای جنوبی (۵۶/۷۵ میلیارد دلار)، هند-روسیه (۴۲/۹۶ میلیارد دلار)، هند-آفریقای جنوبی (۱۹/۴۵ میلیارد دلار)، هند-برزیل (۱۶/۷۵ میلیارد دلار)، روسیه-برزیل (۸/۴۳ میلیارد دلار)، برزیل-آفریقای جنوبی (میلیارد دلار ۲/۶۸) قرار دارند. کمترین رابطه تجاری بین آفریقای جنوبی با روسیه (۰/۷۱ میلیارد دلار) بوده است.

از جداول زیر استنتاج می شود رابطه تجاری بین کشورهای بریکس از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۲ عموماً افزایشی بوده است و تنها واردات روسیه از برزیل در بازه زمانی مذکور کاهش یافته است. همچنین لازم به ذکر است روابط تجاری بین آفریقای جنوبی با روسیه و برزیل افزایش چشمگیری نداشته است.

جدول شماره (۳) مبادلات تجاری بین کشورهای بریکس (میلیارد دلار)

کشور	صادرات/ واردات	سال ۲۰۰۹				سال ۲۰۲۲					
		چین	هند	روسیه	برزیل	آفریقای جنوبی	چین	هند	روسیه	برزیل	
چین	صادرات	***	۲۹/۶۸	۱۷/۵۲	۱۴/۱۳	۷/۳۶	***	۱۱۸/۷۷	۷۶/۲۶	۶۱/۸۸	۲۴/۲۲
	واردات	***	۱۳/۷۲	۲۱/۱۰	۲۸/۳۱	۸/۶۷	***	۱۷/۵	۱۱۲/۲۲	۱۰۸/۷۱	۳۲/۵۳
هند	صادرات	***	***	۰/۹۱	۱/۷۶	۱/۸۶	***	***	۲/۹۱	۹/۶۸	۸/۲۵
	واردات	***	***	۳/۴۷	۳/۰۰	۴/۹۰	***	***	۴۰/۰۵	۷/۰۷	۱۱/۲۰
روسیه	صادرات	***	***	***	۰/۹۹	۰/۱۹	***	***	***	۶/۷۶	۰/۳۳
	واردات	***	***	***	۳/۵۰	۰/۳۲	***	***	***	۱/۶۷	۰/۳۸
برزیل	صادرات	***	***	***	***	۱/۲۶	***	***	***	***	۱/۷۲

کشور	صادرات/ واردات	سال ۲۰۰۹				سال ۲۰۲۲				
		چین	هند	روسیه	برزیل	آفریقای جنوبی	چین	هند	روسیه	برزیل
	واردات	***	***	***	***	***	***	***	***	***
آفریقای جنوبی	صادرات	***	***	***	***	***	***	***	***	***
	واردات	***	***	***	***	***	***	***	***	***

Source: World Economic Outlook, International Monetary Fund, 2023.

## ۲-۱-۴. امتیازات و مؤلفه های سیاسی و امنیتی گروه بریکس

هر یک از اعضای «بریکس» در یکی از حوزه های سیاسی و امنیتی در منطقه خود بازیگری عمده به شمار می آید، بنابراین، می توان گفت گروه مزبور با پوشش دادن مناطقی مانند اوراسیا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از ابعادی جهانی برخوردارست. نخستین امتیاز بریکس در زمینه مؤلفه های سیاسی و امنیتی، عضویت کشورهای چین و روسیه، دو عضو اصلی این پیمان، به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل است. حضور دو عضو دائم شورای امنیت در گروه بریکس و سه مدعی کسب کرسی دائم، یعنی هند، برزیل و آفریقای جنوبی، نشان دهنده اهمیت این گروه در معادلات جهانی است. از طرفی، سه کشور از پنج کشور عضو پیمان بریکس، یعنی هند، روسیه، چین به سلاح هسته ای دست یافته اند. برزیل و آفریقای جنوبی نیز پیشرفت های چشمگیری در زمینه فناوری هسته ای داشته اند؛ اما تنها به دلیل امضاء قرارداد منع تولید سلاح های هسته ای از تولید سلاح هسته ای خودداری کرده اند. برخورداری از چنین موقعیتی در عرصه سیاست بین المللی، در کنار قدرت برتر نظامی روسیه، به بریکس که در وهله اول شکل گیری آن، بنیادی اقتصادی داشت، موقعیتی خاص بخشیده و جایگاه این گروه را به عنوان گروهی غیر غربی مخالف با هژمونی امریکا تثبیت کرده و بر اهمیت آن در نظام بین المللی افزوده است (هارمر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳).

گروه بریکس همچنین نقش فعالی در سازمانهای بین المللی نظیر گروه ۲۰، گروه ۸، کشورهای غیرمتعهدها و گروه ۷۷ دارد. آنها در سازمانها و پیمانهای منطقه ای مهمی نیز عضوند. برای مثال، روسیه عضو کشورهای مستقل مشترک المنافع و سازمان پیمان امنیت دسته جمعی است. چین و روسیه همچنین عضو سازمان همکاری شانگهای و گروه همکاریهای اقتصادی آسیا- پاسیفیک اند. برزیل یکی از اعضای اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی و نیز عضو مرکوسور است. آفریقای جنوبی نیز از اعضای اتحادیه آفریقا و شورای (جامعه) توسعه آفریقای جنوبی است و هند نیز یکی از اعضای اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاریهای منطقه ای است. کشورهای بریکس با تأسیس و رهبری سازمانهای جدید بین المللی به نوعی سعی در به چالش کشیدن سازمان ها و نهادهای مسلط غربی به رهبری ایالات متحده امریکا دارند. در این راستا می توان به دیپلماسی فعال چین و سایر کشورهای بریکس برای تقویت و مطرح کردن گروه ۲۰ (G20) در مقابل گروه ۷ (G7) در حل بحران های مالی و اقتصادی جهانی و منطقه ای اشاره کرد. با مطرح شدن گروه ۲۰ که در آن تمامی

<sup>1</sup> Harmer

اعضای بریکس حضور دارند، قدرت مانور و انحصارطلبی گروه ۷ که در راس آن امریکا قرار دارد به نوعی به چالش کشیده شده و جایگاهشان تضعیف شده است (رنارد، ۲۰۰۹)

کشورهای برزیل، هند و آفریقای جنوبی در قالب نهاد ایسا<sup>۱</sup> معتقدند ساختار سیاسی و اقتصادی کنونی نظام بین الملل منافع و علایق کشورهای درحال توسعه را تأمین نمی کند. این کشورها با به کارگیری سازمان های بین المللی درصدد به چالش کشیدن نظم فعلی به رهبری ایالات متحده آمریکا و تغییر هنجارهای مسلط بر آن می باشد.

تأسیس سازمان همکاری شانگهای که در آن چین، روسیه و هند به عنوان اعضای اصلی حضور دارند، با ترکیبی از اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی یکی از مؤثرترین اقدامات در راستای مشروعیت زدایی از امریکا بوده است. از جمله مهم ترین اهداف سازمان همکاری شانگهای عبارتند از: مقابله با ایده جهان تک قطبی و مهار روند روبه گسترش حضور قدرت های فرامنطقه ای، به ویژه ناتو و ایالات متحده آمریکا در فضای اورآسیا از طریق موازنه نرم، تحکیم همکاری های منطقه ای، مقابله با سه عنصر جدایی طلبی، افراط گرایی و تروریسم و نیز گسترش همکاری های اقتصادی به ویژه در بخش انرژی. آنچه بر اهمیت اهداف و برنامه های این سازمان افزوده، تحولات مهمی چون امنیتی شدن فضای بین المللی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، اشغال افغانستان و حضور مستقیم ناتو و ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی است که در طول سال های اخیر در فضای ژئوپلیتیک اورآسیا و مناطق پیرامونی آن روی داده است (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۰).

اما در حال حاضر یکی مهم ترین ایده های گروه بریکس که یکی از اولین اقدامات واقعاً جهانی در جهان در حال توسعه، در شکل گیری یک نظم اقتصادی جدید و متعادل تر است، طرح بریکس پلاس به منظور گسترش گروه می باشد. در واقع، اولین چیزی که در مورد بریکس پلاس درک می شود این است که هر یک از اعضا در یک توافق نامه منطقه ای ادغام می شوند که اقتصاد پیشرو در قاره یا در منطقه خود می باشند؛ روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، برزیل در مرکوسور، آفریقای جنوبی در انجمن توسعه آفریقای جنوبی، هند در انجمن همکاری های منطقه ای جنوب آسیا و چین در سازمان همکاری شانگهای، در منطقه تجارت آزاد - چین آسه آن و مشارکت اقتصادی جامع منطقه ای. از این رو همه کشورهایی که در این توافق نامه های منطقه ای شریک ادغام هستند را بریکس پلاس می نامند که به صورت دو جانبه یا منطقه ای برای همکاری های انعطاف پذیر و چندگانه (نه منحصرأ با آزادسازی تجارت) ایجاد می شود (آراپووا، ۲۰۱۹).

این ایده به نوبه خود به دلیل ماهیت منحصر به فرد گروه بریکس که تقریباً در هر قاره کشورهای در حال توسعه به وسیله یک یا چند قدرت بزرگ رهبری می شوند، امکانپذیر است. و این به معنی گشودن دروازه به روی دیگر کشورها و مناطقی است که مایل به اتصال به ائتلاف، ترویج تبادل تجربیات خوب و یکپارچه سازی اقتصادی برای حمایت از منافع کشورهای در حال توسعه است. در واقع این طرح فراتر از مرزهای چارچوب بریکس فعلی می رود و یک پلتفرم جدید برای همکاری میان کشورها در قاره های مختلف ایجاد می کند که

<sup>1</sup> Renard

<sup>2</sup> IBSA

<sup>3</sup> Arapova

می توانند استفاده از ارزهای ملی به سرمایه گذاری های خارجی و تجارت چند جانبه را گسترش دهد و در نتیجه، وابستگی به دلار آمریکا را کاهش دهند (ابوبکر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

در راستای گسترش گروه بریکس در اجلاس سال ۲۰۲۳ بیش از ۴۰ کشور ابراز علاقه کردند و ۲۳ کشور به طور رسمی برای عضویت درخواست دادند. پس از گفتگو، از شش کشور آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات دعوت گردید تا از اول ژانویه ۲۰۲۴ به اعضای کامل بریکس تبدیل شوند. گروه بزرگ شده همچنین در نظر دارد در حوزه تامین انرژی جایگاه مهم تری را به دست گیرد، که عمدتاً به دلیل حضور عربستان سعودی، امارات و ایران است. این سه کشور به ترتیب ۱۲/۹، ۴/۳ و ۴/۱ درصد از تولید جهانی نفت را تشکیل می دهند. عضویت آنها در بریکس سهم این گروه از تولید جهانی نفت را از ۲۰/۴ درصد به ۴۳/۲ درصد افزایش می دهد. گسترش بریکس همچنین بیش از ۳۰ درصد از تولید جهانی گاز طبیعی را کنترل خواهد کرد.

جدول شماره (۴) گسترش سهم بریکس از تولید نفت جهان

کشور	سهم از جهان (درصد)
برزیل	۳/۳
روسیه	۱۱/۹
هند	۰/۸
چین	۴/۴
آفریقای جنوبی	۰
عربستان سعودی	۱۲/۹
امارات متحده عربی	۴/۳
ایران	۴/۱
آرژانتین	۰/۸
مصر	۰/۷
اتیوپی	۰
کل	۴۳/۲

Source: Statistical Review of World Energy, Energy Institute, 2023

## ۲-۱-۵. راهبرد گروه بریکس در قبال نظم پولی و مالی جهان

نظم موجود پولی و مالی جهان به شدت متأثر از توافق برتون وودز و شکل گیری دو نهاد مهم صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. این دو نهاد که پس از جنگ جهانی دوم به ابتکار ایالات متحده آمریکا شکل گرفتند نقش عمیق و فراگیری در شکل گیری نظم موجود پولی- مالی و اقتصادی- سیاسی جهان دارند، تا جایی که اقتصاد دانان برجسته ای چون جوزف استیگلیتز<sup>۲</sup> در تحلیل های نقادانه خود به پدیده های چون جهانی شدن و یا ریشه یابی بحران های اخیر پولی و مالی جهان، ماهیت و نقش این دو نهاد را به چالش کشیده اند. وی معتقد است برای اینکه جهانی شدن چهره انسانی تری به خود گیرد یا اینکه از تکرار بحران های پولی و

<sup>1</sup> Abu Bakr

<sup>2</sup> Joseph Stiglitz

مالی جلوگیری گردد، باید مدیریت اقتصادی جهان مردم سالارتر شود. که لازمه آن منصفانه تر شدن مدیریت نهادهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است (استیگلیتز<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴).

مدیریت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به عنوان نهادهای راهبردی نظم پولی و مالی جهانی به گونه ای است که در ائتلافی نانوخته، سلطه غرب را بر اقتصاد پولی و مالی دنیا حاکم می سازد. همواره رئیس بانک جهانی یک آمریکایی و رئیس صندوق بین المللی پول یک اروپایی است. آمریکا و چند کشور اروپایی اکثریت سهام برای انتخاب و اعمال اراده بر مدیریت این دو نهاد را دارا هستند و در بسیاری موارد انگیزه و برنامه های سیاسی را در قالب برنامه های اقتصادی، پولی و مالی نفوذ می دهند. در واقع حاکمیت سیاسی<sup>۲</sup> بر حاکمیت حرفه ای و خوب<sup>۳</sup> غلبه داده شده است. نهادهای مالی جهان مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تقریباً تمامی مبادلات و سیاستگذاری های پولی جهان را در اختیار دارند. تمامی اعضای بریکس در این سازمان ها عضویت دارند. اما در سال های اخیر در جهت تغییر و تأثیر بر این سازمان ها بر آمده اند.

توجه به ابعاد و مبنای عمل این سازمان ها می تواند ما را در ارائه تحلیل بهتر از این که چرا بریکس در پی ایجاد نهادهایی موازی با این سازمان ها می باشد یاری کند. بانک توسعه بریکس که موضوع محوری اجلاس های بریکس بوده است، در واقع تمرکز اولیه بریکس برای تغییر در ساختار مالی و پولی جهان قرار گرفته است. بریکس به درستی دریافته است که دو بال اصلی سیطره غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا بر اقتصاد و سیاست جهان، دو موسسه مالی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است؛ لذا، اصلاح نهادهای جاری بین المللی به دغدغه اصلی قدرتهای در حال ظهور یا همان گروه بریکس تبدیل شده است؛ البته، بریکس معتقد است که اصلاح این نهادها باید به گونه ای باشد که بتوانند منافع سیستماتیک در حال افزایش بریکس را به صورتی مطلوب تر از گذشته تأمین کنند و خواسته ها و دیدگاه های این گروه را برای نظم آینده جهانی انعکاس دهند. از جمله تلاش های بریکس در این حوزه می توان به تأکید بر نقش هر چه بیشتر سازمان ملل در تأمین صلح جهانی، اصلاح ساختار شورای امنیت و گروه ۲۰ و نیز تلاش برای ایجاد تغییر در نهادهای مالی بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و تأسیس بانک توسعه اشاره کرد. صحبت از تشکیل بانک توسعه مشترک شد که این بانک قطعاً نقش بسزایی در تقابل با نهادهای قدرتمندی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ایفا می کند و چه بسا برخوردار از نظامی دموکراتیک تر از این دو باشد که یکی در دست آمریکا و دیگری در سلطه اروپاست (سنایی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۴).

در واقع، از آنجا که قدرت های غربی عمدتاً ساختار حاکمیت جهانی کنونی را ایجاد کرده اند، قدرت های در حال ظهور، تلاش جمعی خود را برای بازبینی و شکل دهی مجدد به نظام سیاسی اقتصادی بین المللی ای به کار برده اند که منافع و نگرانی آنان را نیز پوشش دهد. آن چیزی که قدرت های در حال ظهور دنبال می کنند عبارت است از جست و جوی نظم جدیدی اقتصادی و سیاسی که بر مبنای اصول کثرت گرایی چندگانه، عدالت، انصاف و دموکراسی ساخته شده باشد. این کشورها که خواستار انعکاس دیدگاه ها و منافعشان در ساختار

<sup>1</sup> Stiglitz

<sup>2</sup> Political governance

<sup>3</sup> Good governance

حاکمیت جهانی اند، در تلاش اند تا ساختارهای حاکمیت جهانی را از طریق اصلاحات تدریجی و مسالمت آمیز دموکراتیک تر و مؤثرتر سازند (هایبین، ۲۰۱۲).

در راستای این هدف، هر یک از کشورهای عضو «بریکس» با اختصاص ۱۰ میلیارد دلار برای ایجاد بانک توسعه بریکس موافقت کردند و با گذشت زمان، سرمایه این بانک به ۱۰۰ میلیارد دلار رسید. همچنین صندوق ذخیره ارزی این گروه با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار شروع به فعالیت نمود که سهم هر کدام از کشورها به ترتیب چین ۴۱ میلیارد دلار، روسیه، برزیل و هند، هر کدام ۱۸ میلیارد دلار و آفریقای جنوبی ۵ میلیارد دلار می باشد. بدین ترتیب بانک توسعه بریکس و صندوق ذخیره ارزی بریکس از نهاد های بزرگ مالی چند جانبه توسعه در جهان خواهد بود که کل سرمایه آن دو (۲۰۰ میلیارد دلار) پایه خوبی برای آن خواهد بود تا کشورهای عضو بریکس بتوانند سیاست اقتصاد کلان خود را هماهنگ سازند. این نهادهای مالی به کشورهای در حال رشد کمک خواهند رساند، در آن کشورها سرمایه گذاری خواهند کرد و از پروژه های زیر ساخت آنها حمایت خواهند نمود که این امر باعث تحکیم پایه و اساس همکاریهای اقتصادی خواهد شد. به دیگر سخن، نهادهای مالی بریکس فقط سازوکار همکاری در داخل بریکس نخواهد بود بلکه سازوکار مشترک همکاری بریکس با باقی کشورهای در حال رشد خواهد بود. همچنین می توان فرض کرد که به برکت گروه بریکس که معرف منافع کشورهای در حال رشد است و کشورهای دارای بازارهای در حال رشد، حق رأی تمام این کشورها در جامعه جهانی قوی تر خواهد شد.<sup>۱</sup>

از طرفی یکی از اصلی ترین نبردهای استراتژیک بریکس، ایجاد جایگزین هایی برای هژمونی دلار آمریکا است. همانطور که سناتور جمهوری خواه ایالات متحده، مارکو روبیو<sup>۲</sup> اعتراف کرد، در صورت کاهش کاربرد دلار توانایی واشنگتن برای تحریم کشورها تحلیل خواهد رفت. بنابراین در حال حاضر، روسیه با دولت های چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی برای راه اندازی ارز جدید و مشترک با پشتوانه کالاهای ارزشمند واقعی مانند طلا یا سایر مواد خام همکاری می کند. همچنین کشورهای عضو بریکس در حال توسعه مکانیسم های جایگزین قابل اعتماد برای پرداخت های بین المللی هستند. اما ظاهراً تا کنون این سیستم خاص بریکس، عملیاتی نشده است. سه کشور روسیه، چین و هند هر یک جداگانه یک نظام مشابه سوئیفت را برای روز مبادا طراحی کرده اند که به نظر می رسد نظام پرداخت CIPS چین جلوتر از نمونه روسیه (SPFS) و هند (SFMS) باشد. با این حال، از نظر عملیاتی، این سه سیستم می توانند در صورت وجود اراده سیاسی و زمینه سازی های فنی، یکدیگر را تکمیل کرده و نظام مبادلات بانکی بریکس را ایجاد نمایند (گزارش معاونت دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۴۰۱).

با این حال در سال های اخیر از نظر سیاسی شاهد معکوس شدن مرکز ثقل پولی جهانی هستیم، زیرا به نظر می آید گروه بریکس نوآوری ها و تدابیر مالی خاصی دارد و تصمیماتی اتخاذ خواهد کرد. اگر نظام پولی جدید بتواند موجودیت و انسجام خود را تثبیت کند، به معنای پایان سلطه غرب بر معاملات ارزی و انتقال نامحسوس آن از غرب به شرق خواهد بود؛ روندی که ممکن است از زمان جنگ های صلیبی تاکنون بی سابقه ارزیابی

<sup>1</sup> www.brics2015.ru

<sup>2</sup> Marco Rubio

شود. دولت های بریکس با این اقدام نوین خود صرفاً نمی خواهند جای آمریکا را در نظام قدیم بگیرند، بلکه تلاش می کنند منطق قدرت را در نظام پولی تغییر دهند و در این سازوکار جدید دیگر به نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و شاید به بانک ها و مؤسسات مالی با عملکرد جدید نیاز نخواهد بود، هرچند این فقط یک فرضیه و اوضاع آینده نامشخص است (لوئیس<sup>۱</sup>، ۱۴۰۲)

از طرفی اکنون جنگ روسیه با اوکراین و در کنار آن شروع جنگ اقتصادی ایالات متحده و متحدان غربی اش با روسیه و اعمال تحریم های بی سابقه اقتصادی بر علیه این کشور، محکی بر توانایی مکانیزم مالی بریکس برای شکست هژمونی تجاری و اقتصادی جهان غرب بر تبادل مالی در سطح بین المللی و نمادی از توانایی کشورهای توسعه یافته دیگر جهان بر حفظ استقلال اقتصادی خود در برابر وابستگی به سیستم های مالی غربی خواهد بود. در کنار درگیر کردن روسیه در جنگ اوکراین، به نظر می رسد از مدت ها پیش برنامه گسترده ای برای جنگ مالی و اقتصادی بر علیه این کشور ریخته شده است که بلافاصله با بروز ناآرامی ها، کشورهای غربی دست به تحریم گسترده بانک مرکزی روسیه و جلوگیری از دسترسی این کشور به منابع مالی در خارج از مرزهای خود زدند و این موضوع با هدف کاهش ارزش و در نهایت نابودی روبل روسیه صورت می پذیرد. این اتفاقات اهمیت همکاری های بین المللی و وسیع کشورهای بریکس را دو چندان می کند و تصمیم های اخیر اعضای معاهده بریکس مبنی بر اینکه هیچ یک از کشورهای عضو، ایالات متحده و همپیمانان اروپاییش را در اعمال تحریم های مالی علیه روسیه همراهی نکردند، شاید شروعی بر کاهش قدرت سامانه های مالی غربی و شکست هژمونی جهانی باشد<sup>۲</sup>.

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

### ۲-۲-۱. مطالعات داخلی

منصوری و همکاران (۱۴۰۱) مقاله ای با عنوان «تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم انداز آینده» را تدوین نمودند. مسئله اساسی مقاله این است که راهبرد توسعه قدرت های نوظهور اقتصادی (بریکس) بر اساس انطباق نسبی با مراحل رشد اقتصادی نظریه توسعه روستو، بر مبنای چه رویکردی و مولفه هایی قابل تبیین است و چشم انداز آینده آن چیست؟ نتایج حاکی از آن است که راهبرد توسعه قدرت های نوظهور اقتصادی (بریکس) بر مبنای توسعه انسانی نسبی مبتنی بر بهره برداری از منابع داخلی، استفاده از فرصت های اقتصادی - سیاسی خارجی، همسویی شاخص های اقتصادی و انسانی، تحقق افزایش مبادلات تجاری، کاهش وابستگی و نفوذ اقتصادی - سیاسی در امور جهانی قابل تبیین و ارزیابی می باشد و از سیطره اقتصاد لیبرالی، به سمت نظم جدید اقتصادی در حرکت است.

<sup>1</sup> Lewis

<sup>2</sup> <https://thewire.in/world/amid-sanctions-against-russia-brics-can-lead-the-change-towards-national-currency-payments>

میرترابی و فلاح (۱۴۰۱) در مقاله با عنوان «چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی» درصدد پاسخگویی به این پرسش است که چین برای ایجاد تحول نظم اقتصادی جهان در سال های ۲۰۰۹-۲۰۲۰ چگونه از بریکس بهره گرفته است؟ نتایج این تحقیق حاکی از آن است که چین تلاش دارد موجودیت بریکس را یک تشکل مالی، تجاری و توسعه ای نشان دهد. چین همزمان تلاش می نماید با ایده بریکس پلاس همکاری های بین المللی مطلوب خود را از درون این گروه به دیگر کشورها و قدرت های موثر منطقه ای گسترش دهد.

شیرخانی و چیت ساز (۱۳۹۹) در مقاله «روسیه، بریکس و تاثیرگذاری بر ساختار نظام بین الملل» موضوع تاثیرگذاری بریکس بر نظام بین الملل با هدف تغییر نظم موجود را دنبال می کنند. یافته های مقاله نشان می دهد، برآیند اهداف بریکس با اهداف روسیه به عنوان یکی از اصلی ترین اعضای بریکس با وجود تفاوت های موجود میان این کشور و سایر اعضا هم راستا و در جهت تحقق بخشیدن به تعدد کانون های چندگانه قدرت در سطح جهانی است.

میرترابی حسینی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله با عنوان «چالش بریکس با ساختار مالی جهانی زیرنفوذ آمریکا» چگونگی چالش این بلوک قدرت جدید در برابر ساختار مالی جهانی غرب و پیامدهای آن را مورد توجه قرار داده است. نتایج نشان می دهد که گروه بریکس با محوریت چین از طریق ایجاد نهادها و رویه های جدید مالی چندجانبه و تلاش برای تقویت جایگاه خود در نهادهای مالی برتون وودز در مسیر تضعیف ساختار مالی جهانی تحت سیطره ایالات متحده حرکت کرده است. بررسی ابعاد مختلف فشارهای بریکس بر ساختار مالی تحت سیطره ایالات متحده بر مبنای تحلیل داده های اقتصادی و مالی جهانی و بررسی پیامد این اقدامات، جزو نکات بدیع مقاله حاضر است.

خلفی و فیضی (۱۳۹۸) در مقاله «جایگاه گروه بریکس در روابط شمال و جنوب» به دنبال پاسخ به این سوال می باشند که بریکس در تحولات جهانی تا چه اندازه می تواند تاثیرگذار باشد؟ نتایج حاکی از آن است که توافق اعضای بریکس برای تاسیس بانک مشترک، به چالش کشیدن و رقابت با نهادهای غربی مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، همچنین مباحث تغییرات آب و هوایی و یا حتی بی ثباتی مالی جهانی بدون بریکس قابل حل نیست.

مرادی فر و یزدانی (۱۳۹۶) در مقاله ای تحت عنوان «تبیین تاثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی» به تبیین و بررسی تلاش های بریکس برای به چالش کشیدن هژمونی غرب و تبدیل به نظم چند قطبی می پردازند. یافته های پژوهش نشان می دهد که؛ بریکس به عنوان بازیگر سیاسی بین المللی می تواند عامل مهمی در تغییر دستور کار بین المللی و تبدیل نظم جهانی تک قطبی به چند قطبی باشد. بنابراین بریکس موجب ظهور الگوی جدیدی در نظم لیبرال می گردد.



## ۲-۲-۲. مطالعات خارجی

اولراتو مانیاپلو<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در پژوهش خود تحت عنوان «آینده بریکس و نقش روسیه و چین»، ظهور بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) و بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۸ را عامل اصلی بحث‌ها در مورد دوام بلندمدت هنجارها، ایده‌ها و نهادهای فرآتلاتنیک می‌داند. او عقیده دارد بسیاری از ارگان‌ها و سازمان‌هایی بین‌المللی مهم بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۸۰ تشکیل شدند و تحت تسلط بازیگران غربی و برنامه‌ای متمرکز بر غرب بوده‌اند که بریکس به دنبال به چالش کشیدن آن می‌باشد. همچنین در بخش‌های مختلفی این پژوهش بر تکامل بریکس و نظام بین‌الملل، روسیه و بریکس، چین و بریکس و همکاری‌ها و واگرایی‌ها بریکس پرداخته است.

ژن هان و می‌هالا پاپا<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) در مطالعه خود تحت عنوان «چشم‌انداز برزیل: به سمت اتحاد توسعه-امنیتی بریکس؟» بیان می‌دارد محققانی که بریکس را مطالعه می‌کنند به طور سنتی استدلال می‌کنند که این یک مشارکت مبتنی بر توسعه است و نه یک اتحاد نظامی/امنیتی است؛ در حالی که اعضای بریکس در حال تعمیق یکپارچگی امنیتی خود نیز هستند. اگرچه قدرت‌های میانی بریکس به طور سنتی نسبت به اتحاد‌های امنیتی بی‌زاری نشان می‌دهند، اما برزیل به طور فعال همکاری امنیتی بین اعضای بریکس را در طول ریاست بریکس تعمیق بخشید. این گزارش دریافت که برزیل روابط امنیتی خود با کشورهای بریکس را مهمتر از روابط امنیتی با کشورهای غیر بریکس نمی‌داند. با این حال، بریکس برزیل را قادر می‌سازد تا دستور کار امنیتی خاص خود را در جهت‌گیری توسعه این گروه بگنجانند.

لی لی<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) در مقاله با عنوان «بریکس یک نقش محدود در تحول جهانی» معتقد است که بریکس از طریق اصلاح نهادهای بین‌المللی موجود در شکل دادن به نظم اقتصادی جهان نقش بزرگی خواهد داشت. البته به نظر نویسنده این نقش آفرینی به هیچ وجه هدف سرنگونی نظم جهانی موجود یا تشکیل یک بلوک ضد غرب نیست. به عقیده او قدرت بریکس به ادامه اصلاحات داخلی در کشورهای عضو، نهادینه شدن آن و همکاری با سایر کشورهای بستگی دارد.

باس هویج مایجرس<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) در مقاله خود تحت عنوان «چین، بریکس و محدودیت‌های تغییر شکل حاکمیت اقتصادی جهانی» اشاره می‌کند به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه و چرا چین و بریکس در حال تغییر حکمرانی اقتصادی جهانی هستند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که همکاری بین برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی از اولین نشست در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است و شاهد تاسیس موسسات مختلف بریکس از جمله بانک توسعه جدید و ترتیبات ذخیره احتمالی هستیم. همچنین چین به دلیل وزن سیاسی-اقتصادی خود، بیش از شرکای خود، بر بریکس اثر دارد. علاوه بر این، پکن اهداف خود از جمله ابتکار کمربند و جاده و

<sup>1</sup> Olerato Manyapelo

<sup>2</sup> Zhen Han & Mihaela Papa

<sup>3</sup> Li Li

<sup>4</sup> Bas Hooijmaaijers

بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیایی را از طریق بریکس دنبال می کند. مهمتر از آن، استفاده چین از بریکس برای تغییر شکل حاکمیت اقتصادی جهانی است.

دیپاک نایار<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در مقاله خود تحت عنوان «بریکس، کشورهای در حال توسعه و حکومت جهانی» اشاره دارد که پنج کشوری که به عنوان بریکس شناخته می شوند، اگرچه از نظر منافع، ارزش ها و اولویت های سیاسی همگن نیستند، اما منافع مشترکی در تعدیل قدرت و نفوذ آمریکا/غرب در سازمان های بین المللی دارند. آنها به طور قابل توجهی متفاوت هستند، اما همه آنها از نظر جمعیت، قدرت نظامی، وزن اقتصادی، نفوذ ژئوپلیتیک و دسترسی و تعامل جهانی از سایر کشورهای در حال توسعه برتر هستند. آنها از نظر منافع، ظرفیت و منابع، نماینده کشور های در حال توسعه معمولی نیستند، اما می توانند منافع و اهداف کشورهای در حال توسعه را به عنوان یک گروه در جهان نمایندگی کنند. تنوع درون بریکس، تفاوت آنها با سایر کشورهای در حال توسعه، و پتانسیل آنها برای انعکاس و نمایندگی جنوب جهانی با توجه به تغییرات آب و هوا، امور مالی، تجارت، حقوق بشر و توسعه در این مقاله بررسی شده است. اما هنوز به طور دقیق و مشخص نمی توان گفت که آیا بریکس می تواند از یک گروه اقتصادی متضاد به یک جایگزین سیاسی قدرتمند تبدیل شود یا خیر.

### ۳. روش شناسی پژوهش

روش انجام پژوهش بر اساس هدف کاربردی و از نظر نوع داده ها کیفی - کمی می باشد. ابزار گردآوری داده در این پژوهش مصاحبه و پرسشنامه می باشد، با توجه به هدف تحقیق، سوالات طرح شده به صورت مصاحبه از ۸ نفر از خبرگان پرسیده شد و سپس در بخش تحلیل کمی، جهت اعتبارسنجی نتایج بدست آمده از مصاحبه ها، پرسشنامه ای تدوین شده و در اختیار ۵۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه ها، کارشناسان خبره و محققان کارآزموده که با گروه بریکس آشنایی دارند قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه ها از آزمون t تک نمونه ای و آزمون فریدمن به همراه نرم افزار های SPSS استفاده شد.

### ۴. تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های پژوهش

تا این بخش از مقاله توانایی ها و مزیت های اقتصادی و سیاسی گروه بریکس با بررسی مولفه های مربوط تحلیل شد. لیکن در ادامه به هدف اصلی مقاله یعنی شناخت توانایی گروه بریکس برای تبدیل شدن به یک گروه برتر اقتصادی و اثرگذاری بر نظم پولی و مالی جهانی با استفاده از پژوهشی که توسط نگارندگان مقاله انجام شده است، پرداخته می شود. همانگونه که عنوان شد تأمین هدف پژوهش با طرح چهار سوال انجام می پذیرد که سوال های اول و دوم در پی شناخت توان و موانع پیش روی گروه بریکس جهت تبدیل شدن به یک اقتصاد برتر در آینده است. سوالات سوم و چهارم به ترتیب به دنبال شناخت توان گروه بریکس در تعدیل نظم پولی و مالی جهان با ایجاد نهادهای پولی و مالی رقیب در مقابل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و از سوی دیگر ایجاد اتحادیه پولی (پول مشترک) و نظام پرداخت بین المللی بر مقابله با سلطه دلار و سوئیفت است.

<sup>۱</sup> Deepak Nayyar

**سوال اول:** در رابطه با سوال اول با این عنوان که «آیا گروه بریکس توانایی، ظرفیت و قابلیت لازم برای تبدیل شدن به یک گروه برتر یا رقیب در اقتصاد جهانی را دارا می باشد؟» با انجام مصاحبه ها در نهایت بر روی چهار محور اساسی زیر اجماع صورت گرفته شد و به عنوان توانایی و قابلیت گروه بریکس جهت موفقیت شناسایی گردید:

۱. توانمندیهای گروه بریکس در زمینه های جمعیتی، وسعت سرزمین، و اقتصادی عاملی موثر برای تبدیل شدن بریکس به گروه برتر اقتصادی در سطح جهان در آینده می باشد.

۲. سهم بالای گروه بریکس در اقتصاد بین الملل همچون مبادلات بازرگانی، سرمایه گذاری خارجی و ذخایر ارزی ظرفیت مهمی برای موفقیت این گروه در آینده است.

۳. توان علمی و فن آوری اعضای بریکس در حوزه های مهم چون هسته ای، پشتیبان تحکیم موقعیت آنها در عرصه اقتصاد و سیاست جهانی خواهد بود.

۴. عضویت دائم چین و روسیه در شورای امنیت نشان از ظرفیت بالای این گروه در عرصه سیاست جهانی بوده و کمک کننده گروه بریکس در آینده می باشد.

۵. نقش فعال گروه بریکس در سازمانهای بین المللی و پیمانهای منطقه ای و همچنین ابتکار طرح بریکس پلاس موقعیت این گروه را به لحاظ سیاسی و اقتصادی در آینده در عرصه جهانی تقویت خواهد کرد.

در بخش تحلیل کمی به منظور بررسی نظرات افراد شرکت کننده در پژوهش که «آیا گروه بریکس توانایی، ظرفیت و قابلیت لازم برای تبدیل شدن به یک گروه برتر یا رقیب در اقتصاد جهانی را دارا می باشد؟» از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد.

جدول شماره (۵) توزیع پاسخها، میانگین، انحراف معیار و آزمون t محورهای مربوط به سوال اول

P	T	انحراف معیار	میانگین	توزیع پاسخ ها					محورها
				کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق نه مخالف	مخالف	کاملاً مخالف	
۰/۰۰	۱۴/۲۶	۰/۷۱	۴/۴۶	۲۹	۱۵	۶	-	-	۱
۰/۰۰	۲۳/۹۱	۰/۴۸	۴/۶۴	۳۲	۱۸	-	-	-	۲
۰/۰۰	۶/۴۶	۱/۰۱	۳/۹۲	۱۷	۱۸	۹	۶	-	۳
۰/۰۰	۱۰/۲۵	۰/۷۷	۴/۱۲	۱۸	۲۰	۱۲	-	-	۴
۰/۰۰	۱۱/۱۳	۰/۶۲	۳/۹۸	۹	۳۱	۱۰	-	-	۵
۰/۰۰	۱۹/۲۶	۰/۴۵	۴/۲۲	کل					

منبع: یافته های پژوهش

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۵) می توان گفت:

— چون میزان t برای محور یک ۱۴/۲۶ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش<sup>۱۱</sup> توانمندیهای گروه بریکس در زمینه های جمعیتی، وسعت سرزمین،

- و اقتصادی عاملی موثر برای تبدیل شدن بریکس به گروه برتر اقتصادی در سطح جهان در آینده می باشد."
- چون میزان t برای محور دو ۲۳/۹۱ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "سهم بالای گروه بریکس در اقتصاد بین الملل همچون مبادلات بازرگانی، سرمایه گذاری خارجی و ذخایر ارزی ظرفیت مهمی برای موفقیت این گروه در آینده است."
  - چون میزان t برای محور سه ۶/۴۶ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "توان علم و فن آوری اعضای بریکس در حوزه های مهم چون هسته ای، پشتیبان تحکیم موقعیت آنها در عرصه اقتصاد و سیاست جهانی خواهد بود."
  - چون میزان t برای محور چهار ۱۰/۲۵ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "عضویت دائم چین و روسیه در شورای امنیت نشان از ظرفیت بالای این گروه در عرصه سیاست جهانی بوده و کمک کننده گروه بریکس در آینده می باشد."
  - چون میزان t برای محور پنج ۱۱/۱۳ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "با توجه به توانایی و ظرفیت گروه بریکس موقعیت این گروه به لحاظ اقتصادی و سیاسی در آینده در عرصه جهانی تقویت خواهد شد."
  - چون در کل، میزان t، ۱۹/۲۶ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "گروه بریکس توانایی، ظرفیت و قابلیت لازم برای تبدیل شدن به یک گروه برتر یا رقیب در اقتصاد جهانی را دارا می باشد."

**سوال دوم:** در رابطه با سوال دوم با این عنوان که «چالش ها و موانع گروه بریکس در مسیر تبدیل شدن به یک اقتصاد برتر در سطح جهانی چه می باشد؟» با انجام مصاحبه ها بر روی شش محور اساسی زیر اجماع صورت گرفته شد و به عنوان چالش و موانع گروه بریکس شناسایی گردید:

۶. تفاوت اقتصادی کشورهای عضو بریکس مانعی در راه همگرایی اقتصادی این گروه خواهد شد.
۷. بالا بودن آمار فقر و بیکاری، پایین بودن شفافیت نظام اقتصادی و اختلاف طبقاتی در برخی اعضا همچون هند، آفریقای جنوبی و برزیل از مشکلات پیش روی گروه بریکس می باشد.
۸. عدم توسعه اجتماعی و فرهنگی، مسئولیت ناپذیری نخبگان و قدرت نیافتن طبقه متوسط می تواند منجر به ناکامی گروه بریکس شود.
۹. ناهمگونی در رویکرد ها و واکنش های سیاسی هر یک از کشورهای عضو بریکس در تعامل با مسائل مختلف بین المللی چالشی در مسیر این گروه می باشد.
۱۰. رقابت هر یک از اعضای بریکس با دیگری بر سر تصاحب بازارهای کشورهای توسعه یافته از جمله موانع پیش روی این گروه خواهد بود.
۱۱. وجود روابط عمیق اقتصادی برخی از کشورهای عضو بریکس با آمریکا و نفوذ آمریکا در برخی از کشورهای عضو آسیبی برای آینده بریکس تلقی می شود.

در تحلیل کمی به منظور بررسی نظرات افراد شرکت کننده در پژوهش که «چالش ها و موانع گروه بریکس در مسیر تبدیل شدن به یک اقتصاد برتر در سطح جهانی چه می باشد؟» از آزمون فریدمن استفاده شد. جدول شماره (۶) توزیع پاسخها، میانگین، انحراف معیار و آزمون فریدمن محورهای مربوط به سوال دوم

اولویت	P	آزمون خی دو	میانگین رتبه ها	انحراف معیار	میانگین	توزیع پاسخ ها					مجموع
						کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم	
۶			۲/۹۳	۰/۹۵	۳/۰۲	۳	۱۴	۱۴	۱۹	-	۶
۱	۰/۰۰	۴۱/۹۱	۴/۷۲	۰/۷۱	۴/۰۲	۱۰	۳۴	۳	۳	-	۷
۴			۳/۰۴	۰/۹۱	۳/۲۲	۴	۱۵	۱۹	۱۲	-	۸
۲			۳/۶۸	۰/۷۸	۳/۴۸	-	۳۳	۸	۹	-	۹
۵			۳/۰۴	۰/۸۴	۳/۲۲	۶	۶	۳۱	۷	-	۱۰
۳			۳/۵۹	۰/۶۹	۳/۴۰	-	۲۶	۱۸	۶	-	۱۱

منبع: یافته های پژوهش

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۶) می توان گفت که چون میزان خی دو برای آزمون فریدمن محاسباتی بدست آمده و این میزان در سطح  $0/05$  معنادار می باشد بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تایید می شود؛ به عبارتی با توجه به نتایج بدست آمده می توان نتیجه گرفت که افراد رتبه های کاملاً متفاوتی در انتخاب هر سوال نشان دادند. رتبه بندی مهمترین چالش ها و موانع گروه بریکس به ترتیب اولویت عبارتند از:

- بالا بودن آمار فقر و بیکاری، پایین بودن شفافیت نظام اقتصادی و اختلاف طبقاتی در برخی اعضا همچون هند، آفریقای جنوبی و برزیل از مشکلات پیش روی گروه بریکس می باشد (میانگین رتبه ها: ۴/۷۲).
- ناهمگونی در رویکرد ها و واکنش های سیاسی هر یک از کشورهای عضو بریکس در تعامل با مسائل مختلف بین المللی چالشی در مسیر این گروه می باشد (میانگین رتبه ها: ۳/۶۸).
- وجود روابط عمیق اقتصادی برخی از کشورهای عضو بریکس با آمریکا و نفوذ آمریکا در برخی از کشورهای عضو آسیبی برای آینده بریکس تلقی می شود (میانگین رتبه ها: ۳/۵۹).
- عدم توسعه اجتماعی و فرهنگی، مسئولیت ناپذیری نخبگان و قدرت نیافتن طبقه متوسط می تواند منجر به ناکامی گروه بریکس شود (میانگین رتبه ها: ۳/۰۴).
- رقابت هر یک از اعضای بریکس با دیگری بر سر تصاحب بازارهای کشورهای توسعه یافته از جمله موانع پیش روی این گروه خواهد بود (میانگین رتبه ها: ۳/۰۴).

– تفاوت اقتصادی کشورهای عضو بریکس مانعی در راه همگرایی اقتصادی این گروه خواهد شد (میانگین رتبه ها: ۲/۹۳).

**سوال سوم:** در رابطه با سوال سوم با این عنوان که «تشکیل نهادهای مالی و پولی گروه بریکس (بانک توسعه و صندوق ذخیره ارزی بریکس) چه میزان در قبال بانک جهانی و صندوق بین المللی پول می تواند موفق عمل کرده و رفتار آنها را به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل کند؟» با انجام مصاحبه ها و اجماع صورت گرفته، نتیجه گرفته شد که گروه بریکس با تکیه بر چهار محور اساسی زیر می تواند در این مسیر موفق گردد:

۱۲. بانک توسعه بریکس و صندوق ذخیره ارزی با سرمایه اولیه ۲۰۰ میلیارد دلاری و اعطای وام های ۵ تا ۱۰ میلیارد دلاری به کشورهای در حال توسعه بدون اهداف سیاسی می تواند گامی موثر در رقابت با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بردارد.

۱۳. بانک توسعه بریکس در صورت عضوگیری از کشورهای اطراف اعضای گروه بریکس، می تواند با دقت و هزینه کمتری نسبت به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول کشورها را شناسایی و وام پرداخت کند.

۱۴. با توسعه فعالیت، بانک توسعه بریکس می تواند با شتاب بیشتری نسبت به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول رشد کند و شرایط وام دهی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را تعدیل کرده و وام دهی به کشورهای در حال توسعه را آسان تر کند.

۱۵. همکاری بانک توسعه بریکس با بانک زیر ساخت های آسیایی که هر دو توسط اقتصادهای نوظهور تاسیس شده و هدف مشترکی دارند، می تواند رفتار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل کند.

در تحلیل کمی به منظور بررسی نظرات افراد شرکت کننده در پژوهش که «تا چه میزان تشکیل نهادهای مالی و پولی گروه بریکس (بانک توسعه و صندوق ذخیره ارزی بریکس) در قبال بانک جهانی و صندوق بین المللی پول می تواند موفق عمل کرده و رفتار آنها را به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل کند؟» از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد.

جدول شماره (۷) توزیع پاسخها، میانگین، انحراف معیار و آزمون t سوالات مربوط به سوال سوم

P	T	انحراف معیار	میانگین	توزیع پاسخ ها					محور
				خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۰/۰۰	۱۸/۹۵	۰/۳۲	۳/۸۸	-	۴۴	۶	-	-	۱۲
۰/۰۰	۱۰/۵۸	۰/۵۳	۳/۸۰	-	۴۳	۴	۳	-	۱۳
۰/۰۰	۷/۵۶	۰/۵۹	۳/۶۴	-	۳۵	۱۲	۳	-	۱۴
۰/۰۰	۷/۲۲	۰/۷۶	۳/۷۸	۳	۴۰	-	۷	-	۱۵
۰/۰۰	۱۶/۶۹	۰/۳۳	۳/۷۸	کل					

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۷) می توان گفت :

- چون میزان t برای محور دوازده ۱۸/۹۵ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "بانک توسعه بریکس و صندوق ذخیره ارزی با سرمایه اولیه ۲۰۰ میلیارد دلاری و اعطای وام های ۵ تا ۱۰ میلیارد دلاری به کشورهای در حال توسعه بدون اهداف سیاسی می تواند گامی موثر در رقابت با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بردارد."
- چون میزان t برای محور سیزده ۱۰/۵۸ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "بانک توسعه بریکس در صورت عضوگیری از کشورهای اطراف اعضای گروه بریکس، می تواند با دقت و هزینه کمتری نسبت به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول کشورها را شناسایی و وام پرداخت کند."
- چون میزان t برای محور چهارده ۷/۵۶ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "با توسعه فعالیت، بانک توسعه بریکس می تواند با شتاب بیشتری نسبت به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول رشد کند و شرایط وام دهی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را تعدیل کرده و وام دهی به کشورهای در حال توسعه را آسان تر کند."
- چون میزان t برای محور پانزده ۱۷/۲۲ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "همکاری بانک توسعه بریکس با بانک زیر ساخت های آسیایی که هر دو توسط اقتصادهای نوظهور تاسیس شده و هدف مشترکی دارند، می تواند رفتار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل کند."
- چون در کل میزان t، ۱۶/۶۹ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "تشکیل نهادهای مالی و پولی گروه بریکس (بانک توسعه و صندوق ذخیره ارزی بریکس) در قبال بانک جهانی و صندوق بین المللی پول می تواند موفق عمل کرده و رفتار آنها را به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل کند."

**سوال چهارم:** در رابطه با سوال چهارم با این عنوان که «آیا گروه بریکس توانایی تشکیل اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین المللی بین اعضای خود در آینده را دارا می باشد؟» با انجام مصاحبه ها و اجماع صورت گرفته شده، نتیجه گرفته شد که گروه بریکس با رعایت چهار محور اساسی زیر می تواند در این مسیر موفق شود:

۱۶. چشم انداز مناسب شاخص های اقتصادی نظیر نرخ تورم، کسری بودجه، نرخ بهره بلندمدت و دیون ملی کشورهای عضو بریکس جهت ایجاد اتحادیه پولی بریکس می تواند کمک کننده باشد.
۱۷. کشورهای عضو بریکس با توسعه مناسبات تجاری خود و تعدیل موانع بازرگانی بین خود می توانند در جهت ایجاد اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین المللی گام بردارند.

۱۸. کشورهای عضو بریکس با اصلاح مناسبات حقوقی، قوانین ورود و خروج و تجارت میان خود می‌توانند به سمت ایجاد اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین‌المللی حرکت کنند.

۱۹. مناسبات سیاسی میان کشورهای عضو بریکس باید به گونه‌ای باشد که اراده سیاسی واحد مشترکی میانشان جهت ایجاد اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین‌المللی برقرار شود.

در تحلیل کمی به منظور بررسی نظرات افراد شرکت‌کننده در پژوهش که «آیا گروه بریکس توانایی تشکیل اتحادیه پولی بین‌اعضای خود در آینده را دارا می‌باشد؟» از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد.

جدول شماره (۸) توزیع پاسخها، میانگین، انحراف معیار و آزمون t سوالات مربوط به سوال چهارم

P	T	انحراف معیار	میانگین	توزیع پاسخ‌ها					محور
				کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم	
۰/۰۰	۵/۰۹	۰/۸۳	۳/۶۰	۷	۲۰	۱۹	۴	-	۱۶
۰/۰۰	۶/۰۴	۰/۷۲	۳/۶۲	۴	۲۶	۱۷	۳	-	۱۷
۰/۸۵	۰/۱۹	۰/۷۴	۳/۰۲	-	۱۴	۲۳	۱۳	-	۱۸
۰/۲۲	۱/۲۳	۰/۶۸	۳/۱۲	-	۱۵	۲۶	۹	-	۱۹
۰/۰۰	۴/۲۹	۰/۵۶	۳/۳۴	کل					

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۸) می‌توان گفت:

- چون میزان t برای محور شانزدهم ۵/۰۹ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد پس: از نظر افراد شرکت‌کننده در پژوهش "چشم‌انداز شاخص‌های اقتصادی نظیر نرخ تورم، کسری بودجه، نرخ بهره بلندمدت و دیون ملی کشورهای عضو بریکس جهت ایجاد اتحادیه پولی مناسب است".
- چون میزان t برای محور هفدهم ۶/۰۴ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد پس: از نظر افراد شرکت‌کننده در پژوهش "کشورهای عضو بریکس با توجه به توسعه مناسبات تجاری خود و تعدیل موانع بازرگانی فی‌ما بین خود می‌توانند در جهت ایجاد اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین‌المللی گام بردارند".
- چون میزان t برای محور هیجدهم ۰/۱۹ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد پس: از نظر افراد شرکت‌کننده در پژوهش "کشورهای عضو بریکس از مناسبات حقوقی، قوانین ورود و خروج و تجارت مناسبی میان خود برای ایجاد اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین‌المللی برخوردار نیستند".
- چون میزان t برای محور نوزدهم ۱/۲۳ بدست آمده و در سطح ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد پس: از نظر افراد شرکت‌کننده در پژوهش "مناسبات سیاسی میان کشورهای عضو بریکس به گونه‌ای نیست که بتواند اراده سیاسی واحد مشترکی میانشان جهت ایجاد اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین‌المللی برقرار شود".



— چون در کل میزان  $t$ ،  $4/29$  بدست آمده و در سطح  $0/05$  معنادار می باشد پس: از نظر افراد شرکت کننده در پژوهش "گروه بریکس توانایی تشکیل اتحادیه پولی و نظام پرداخت بین المللی بین اعضای خود را در آینده دارا می باشد.

## ۵. نتیجه گیری

تردیدی نیست که قدرت های نوظهور، یکی از واقعیت های مهم نظام بین الملل در دوره انتقالی محسوب می شوند. قدرت یابی این بازیگران از آغاز سده بیست و یکم و به ویژه از هنگام بروز بحران مالی و اقتصادی جهانی، به یکی از روندهای کلان اقتصاد و تجارت بین المللی تبدیل شده است. برخی اقتصادهای نوظهور اگرچه به مناطق جغرافیایی مختلف تعلق دارند، اما به دلیل برخورداری از اشتراکات متعدد، اینک در قالب گروه بندی بریکس گام های بلندی را برای نهادینه سازی نقش و حضور جهانی خود برداشته اند.

بریکس به عنوان گروهی متشکل از اقتصادهای نوظهور به عنوان یک بازیگر کلیدی در تغییر شکل نظم جهانی ظاهر شده است و بستری برای رسیدگی به نابرابری ها و سلطه غرب در حکومت جهانی فراهم نموده است. کشورهای بریکس با برنامه بلندپروازانه ای که منعکس کننده نفوذ فزاینده آنهاست، هدفشان ایجاد نظم جهانی چند قطبی است که با یک سیستم جهانی فراگیرتر و عادلانه تر، منافع اقتصادهای نوظهور را پیگیری می کند. با توجه به نتایج این تحقیق و همچنین آمار و ارقام موجود بریکس توانایی لازم برای تبدیل شدن به یک گروه برتر اقتصادی را دارا می باشد. داشتن ۳۰ درصد کل مساحت زمین، ۲۶ درصد از تولید ناخالص جهان،  $41/42$  درصد جمعیت دنیا، ۴۵ درصد از ذخایر ارزی و طلای جهان، ۲۶ درصد از توان اقتصادی و تولیدات اقتصادی جهان، بیش از ۱۸ درصد از کل مبادلات بازرگانی و ۲۲ درصد از سرمایه گذاری مستقیم خارجی، عضویت دائم چین و روسیه در شورای امنیت و به همراه دستیابی روسیه، هند و چین به سلاح هسته ای نشان از این دارد که این گروه می تواند به طور تدریجی بر روند تصمیم گیری های ویژه نظام بین المللی تأثیرگذار باشد و با اصلاح نهادهای مالی و سیاسی بین المللی، سیستم جدیدی از حاکمیت بین المللی را طراحی کنند.

اما طی نمودن این مسیر با اختلافات و مشکلات داخلی و موانع و چالش های خارجی همراه می باشد که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد. از جمله بالا بودن آمار فقر و بیکاری، پایین بودن شفافیت نظام اقتصادی و اختلاف طبقاتی در برخی اعضا همچون هند، آفریقای جنوبی و برزیل، ناهمگونی در رویکرد ها و واکنش های سیاسی هر یک از کشورهای عضو بریکس در تعامل با مسائل مختلف بین المللی، وجود روابط عمیق اقتصادی برخی از کشورهای عضو بریکس با آمریکا و نفوذ آمریکا در برخی از کشورهای عضو بریکس، عدم توسعه اجتماعی و فرهنگی، مسئولیت ناپذیری نخبگان و قدرت نیافتن طبقه متوسط در بین اعضای بریکس، رقابت هر یک از اعضای بریکس با دیگری بر سر تصاحب بازارهای کشورهای توسعه یافته و در آخر تفاوت اقتصادی کشورهای عضو بریکس می توان اشاره کرد. اما باید توجه داشت که بیشتر اختلاف نظرها بین اعضای این گروه جزئی و تاکتیکی است و اکثراً حالت منطقه ای دارد. ولی مصلحت شرکت در گروه از مشکلات در روابط دوجانبه بین بعضی اعضای آن بیشتر است. اعضای بریکس از طریق شرکت در این گروه از سازوکار های مکمل نفوذ برخوردار می شوند. هر یک از پنج کشور مستقل از این گروه، توان دسته جمعی را از دست داده و

نمی‌توانند اصلاحات لازم در نظام جهانی را پیش ببرند. اگر این مشکلات ادامه نیابد، این کشورها می‌توانند پیشرفت‌های بیشتری داشته باشند، اما اگر در داخل خود مشکلات امنیتی، سیاسی و .. های کلان داشته باشند، این امر می‌تواند بر کل سازمان بریکس تأثیر داشته باشند. با وجود این، به رغم آن که ادبیات روابط بین الملل در جهان غرب با اشاره به فقدان پیوستگی و انسجام قدرت‌های نوظهور درصدد است تا در امکان تبدیل شدن بریکس به واحد سیاسی و اقتصادی تردید روا دارد، اما به نظر می‌رسد با وجود چالش‌های مشهود پیش روی اعضای این گروه بندی، عواملی مانند نگرش‌های بین‌المللی و پیوندهای اقتصادی، امکانات لازم را برای همکاری آنها فراهم آورده است. بریکس در مقام مهم‌ترین نماد قدرت‌های نوظهور، در حال حاضر دو فرایند همزمان هویت‌سازی و نهادسازی را به منظور تقویت موقعیت و افزایش امکان اثرگذاری خود در عرصه تجارت و اقتصاد بین‌الملل، در دستور کار قرار داده است.

گروه بریکس به همراه تاسیس سازمان‌های پولی و مالی جدید مانند بانک توسعه بریکس و صندوق ذخیره ارزی می‌تواند رفتار بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل و در آینده نسبت به آنها بهتر عمل کند. همچنین شرایط وام‌دهی بانک توسعه بریکس برای کشورهای در حال توسعه مناسب‌تر خواهد بود زیرا بانک جهانی و صندوق بین‌المللی با هدف سیاسی به کشورهای در حال توسعه وام می‌دهند و بر آنها فشار می‌آورند تا اهداف خود را پیاده‌سازی کنند و بریکس از این طریق می‌تواند کشورهای در حال توسعه را با خود همراه کند. از طرفی با همکاری و همراهی بانک زیر ساخت‌های آسیایی که هر دو توسط اقتصادهای نوظهور تاسیس شده و هدف مشترکی دارند می‌توانند با قدرت بیشتری پیشروی کنند. در این مسیر بانک توسعه بریکس می‌تواند هوشمندانه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را رصد کند و از تجربه آنها استفاده کرده تا دچار مشکلات، فساد و تباهی آنها نشود. از طرفی نهادسازی‌های که بعد از جنگ جهانی دوم توسط آمریکا و هم‌پیمانانش صورت گرفته در طول زمان ناکارآمدی خود را به جهانیان نشان داده است. شاید امروز بانک توسعه بریکس به اندازه کافی بزرگ نباشد، اما از نظر زمانی و جغرافیای سیاسی، باید دو عنصر همسنگ را مقایسه کرد و اکنون مقایسه بانک توسعه بریکس با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول منطقی نمی‌باشد ولی اگر بانک توسعه بریکس درست انتخاب شده باشد و به درستی سازماندهی شود در آینده کارآمدی خود را نشان خواهد داد.

گروه بریکس جهت ایجاد اتحادیه پولی باید وضعیت شاخص‌های اقتصادی‌شان مطلوب باشد و به سطحی از هماهنگی و اتحاد سیاسی برسد و همچنین به ارزش‌های با ثبات و قوی و بانک مرکزی مستقل نیازمند است. شاید در حال حاضر گروه بریکس در برخی از شاخص‌ها توانایی لازم را داشته باشد ولی در موقعیت فعلی جهت ایجاد اتحادیه پولی آماده نمی‌باشد، زیرا مسائل نظام پولی و بانکی کشورها به هم گره می‌خورد و با ایجاد یک بحران در یکی از اعضا، دیگر کشورهای عضو نیز آسیب می‌بینند. اعضای بریکس باید به دنبال تقویت پول‌های خود بوده و با پول‌های خود به تبادل و تجارت بپردازند و با تقویت پیمانهای پولی دو جانبه پول‌های خود را بدون دخالت دلار مبادله کنند و با تمرکز زدایی از دلار بر آمریکا فشار بیاورند و از تنش‌های پولی آمریکا خارج شوند و در آینده‌ای نزدیک با ایجاد تمام شرایط و با استفاده از تجربه یورو به فکر تشکیل اتحادیه پولی باشند. همچنین سه کشور روسیه، چین و هند که هر یک جداگانه یک نظام مشابه سوئیفت را برای پرداخت

های بین المللی طراحی کرده‌اند که به نظر می‌رسد از نظر عملیاتی، این سه سیستم می‌توانند در صورت وجود اراده سیاسی و زمینه سازی‌های فنی، یکدیگر را تکمیل کرده و نظام مبادلات بانکی بریکس را ایجاد نمایند. از طرفی پانزدهمین اجلاس بریکس نشان می‌دهد که با یک بینش جمعی به دنبال مطرح کردن خود به عنوان یک بازیگر قدرتمند جهانی است. این اجلاس همچنین تأکید می‌کند که اهداف اساسی بریکس به نمایندگی از منافع کشورهای در حال توسعه، حمایت از اصلاحات حکمرانی جهانی و تقویت رشد اقتصادی است. دوره پیشروی بریکس دوره امیدوارکننده است زیرا بریکس وارد مرحله جدیدی از نفوذ و همکاری جهانی می‌شود. تأثیرات گسترده گسترش بریکس، از افزایش نفوذ اقتصادی گرفته تا تاکتیک‌های انرژی متنوع، موضع فعال این گروه را در میان هرج و مرج جهانی برجسته می‌کند.

به نظر می‌رسد در دهه آینده، بریکس نقش موثرتری در عرصه روابط اقتصاد بین الملل و نظم پولی و مالی جهان ایفا کند. در حال حاضر بریکس سعی دارد که ضمن ساختار سازی، اعضای موثر خود را تقویت و در داخل سازماندهی و نظم دهی کند و تمام اهرم‌های لازم را در دست داشته باشد تا بتواند به تدریج ظهور کند. اگر چه که رقابت سنگین بوده و رقابت اقتصادی، رقابت سیاسی را هم به دنبال خواهد آورد. سخن پایانی آنکه رصد تحولات بریکس و تعامل دوجانبه و چندجانبه اعضای گروه بریکس باید به طور جدی در دستور کارهای نهادهای اقتصادی و سیاسی کشورمان قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

### منابع فارسی

- استیگلیتز، جوزف (۱۳۹۴). *بهایی نابرابری*، ترجمه محمدرضا فرزین و یکتا اشراقی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- خلفی، جعفر و فیضی، فاضل (۱۳۹۸). جایگاه گروه بریکس در روابط شمال و جنوب، *مجله پژوهش های سیاسی و بین المللی*، دوره ۱۰، شماره ۳۸، ص ۲۷۳-۲۹۱.
- سنایی، مهدی؛ ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۹۲). سازمان قدرتهای اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندیها و جایگاه آن در نظام بین المللی، *مطالعات جهان*، دوره ۳، شماره ۱، ص ۱-۴۰.
- شیرخانی، محمدعلی و پیت ساز، محسن (۱۳۹۹). روسیه، بریکس و تاثیرگذاری بر ساختار نظام بین الملل، *فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی قفقاز*، دوره ۲۶، شماره ۱۱۱، ص ۵۷-۸۳.
- لويس، مارک (۱۴۰۲). رنسانس ارزی بریکس / سلطه دلار پایان می‌یابد؟، ترجمه پایگاه خبری بصیرت، قابل دسترسی در آدرس: <https://basirat.ir/fa/news/345634>
- مرادی فر، سعیده و یزدانی عنایت اله (۱۳۹۶). تبیین تاثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی، *مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، دوره ۷، شماره ۲۳، ص ۴۳-۶۰.
- معاونت دیپلماسی وزارت خارجه (۱۴۰۱). نگاهی به گروه بریکس، قابل دسترسی در آدرس: <https://economic.mfa.gov.ir/portal/newsview/683985>
- منصوری، میلاد؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاله (۱۴۰۱). تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم‌انداز آینده، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۱۱، شماره ۳۶، ص ۱۰۷-۱۲۷.
- میر ترابی حسینی، سید سعید؛ موسوی، سید محمدهادی؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و مدرس، محمدولی (۱۳۹۸). چالش بریکس با ساختار مالی جهانی زیرنفوذ آمریکا، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل*، دوره ۸، شماره ۱، ص ۱۶۸-۱۴۱.
- میرترابی سعید و فلاح مهرداد (۱۴۰۱). چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، دوره ۵، شماره ۲، ص ۴۱۵-۴۴۶.
- ولی کوزه گر کالجی (۱۳۹۰). سازمان همکاری شانگهای؛ اهداف، عملکردها و چشم‌اندازها، *فصلنامه روابط خارجی*. دوره ۵، شماره ۳۰، ص ۳۱-۵۷.
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). *تاملی در ماهیت گروه بریکس و روابط آن با جمهوری اسلامی ایران*، دفتر مطالعات بخش عمومی مرکز پژوهش های اسلامی ایران.

## منابع لاتین

- Abu Bakr, H. (2018). BRICS Plus model can unite developing economies. Available at: <http://en.people.cn/n3/2018/0728/c90000-9485685.html>.
- Arapova, E. (2019). The BRICS Plus” as the First International Platform Connecting Regional, *Asia-Pacific Social Science Review*, 19 (2), 30–46.
- BRICS Information Centre (2022). Available at: <http://www.brics.utoronto.ca/>
- Deepak, N. (2016). BRICS, developing countries and global governance, *Third World Quarterly*, 37 (4), 575-591.
- Germain, Randall (2009). Financial Order and World Politics: Crisis, Change and Continuity, *International Affairs*, 85(4), 669-687.
- Haibin, N. (2012). BRICS in Global Governance? A Progressive Force? Fredrich Ebert Stiftung. Huntington, Available at: [www.fes.de/cgi-bin/gbv.cgi?id=09048&ty=pdf](http://www.fes.de/cgi-bin/gbv.cgi?id=09048&ty=pdf).
- Han, Z., & Papa, M. (2022). Brazilian alliance perspectives: towards a BRICS development–security alliance? *Third World Quarterly* , 43(5), 1115-1136.
- Harmer, Andrew, etc (2013). Brics without Straw? A Systematic literature review of Newly emerging economics influence in Global Health, Available at: <http://www.globalizationandhealth.com>.
- Hooijmaaijers, B. (2021). China, the BRICS, and the limitations of reshaping global economic governance, *The Pacific Review* , 34 (1),
- Hounshell, Blake (2011). A Short History BRICS, Available at: <http://forum.china.org.cn>.
- Li Li (2019). BRICS: A Limited Role in Transforming the World, *Strategic Analysis*, 43:6, 499-508.
- Manyapelo, O. (2023). The Future of the BRICS and the Role of Russia and China. *Journal of BRICS Studies*, 2(1).
- O’Neill, J. (2001). Building better global economic BRICs. *Global Economics Paper*, 66, 1–16. Rachman, G. (2011), THINK AGAIN: AMERICAN DECLINE .PP. 43. Available at: <https://foreignpolicy.com/2011/01/03/think-again-american-decline/>
- Oneill, Jim, (2001). Building Better Global Economic Brics, Goldman Sachs, Research from the GS Financial Workbench, *Global Economics*, No. 66.
- Renard, Thomas (2009). BRIC in the World: Emerging Powers, Europe, and the Coming Order, *EGMONT*, No. 31.
- Statistical Review of World Energy (2023), 17th edition, publish by , Energy Institute.

- World Economic Outlook, International Monetary Fund, (2023).  
*Available at: <https://www.imf.org/en/Data>*

وب سایت

- <https://cia.gov>,2023
- <https://unctad.org/statistics>, 2023.
- <https://www.statista.com>, 2023.
- [www.brics2015.ru](http://www.brics2015.ru)
- <https://thewire.in/world/amid-sanctions-against-russia-brics-can-lead-the-change-towards-national-currency-payments>

## The future of the BRICS and its Strategic Implications for the Global Monetary and Financial Order

Hossein Ahmadi<sup>1\*</sup>  
Mahdi Riazi<sup>2</sup>

### Abstract

The existing order of the world economy is maintained through various international institutions. For instance, the International Monetary Fund and the World Bank, as well as the dominance of the dollar and SWIFT in the monetary system and international payments, play a crucial role in the existing world order. However, their performance has come under increasing criticism in recent years. On the other hand, there have been efforts to reform the international monetary and financial order through various coalitions, among which the BRICS and its associated monetary and financial institutions can be seen as a competing and modulating approach to the existing monetary system.

This article, through utilizing the library and field methods such as conducting interviews and questionnaires attempts investigate the political and economic strengths of the BRICS, as well as the challenges facing this bloc in forming an economic alternative and effective international monetary and financial order in the future. The result of the research show that the BRICS has the ability to form an alternative economic bloc at the global level. But along this path lay various challenges which have to be resolved through the development of its alternative institutions and the creation of the conditions for the formation of a monetary union and the international payment system in the future. These efforts can in turn have an impact on the decision-making process of the international system, and lead to the reformation of the financial institutions and the international monetary system.

**Key words:** BRICS, global monetary and financial order, economic and political power, financial and monetary institutions, monetary union, international payment system.

---

<sup>1</sup> M.A. in International Business Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University. Tehran, Iran. Corresponding Author. (hosseinahmadi1313@gmail.com)

<sup>2</sup> Ph.D. in Production Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (kolahdoz93@gmail.com)